

خطابہ عنکدیر

ترجمہ
مجید مسعودی

سرشناسه: محمد ص پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
عنوان قراردادی: غدیر خم، خطبه، فارسی - عربی.
عنوان و نام پدیدآور: خطابه غدیر / ترجمه مجید مسعودی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.
شابک: 2 - 174 - 539 - 964 - 978 - ISBN
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
موضوع: محمد ص پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. خطبه‌ها،
غدیر خم.
شناسه افزوده: مسعودی، مجید، مترجم، ۱۳۳۲.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ خ ۵۶ م ۳ / BP ۲۲۳ / ۵
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۶۳۲۰۸



شابک 2 - 174 - 539 - 964 - 978 - ISBN

خطابه غدیر

مترجم: مجید مسعودی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: دوم ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲ ۱۸ ۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۶۴ ۸۰۱ ۲۳۵ ۶۶ (خط ۴) و ۷۵۲ ۱۸ ۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰ * نشر نیک‌معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰ * نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵
نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * نمایشگاه کتاب اعراف، ۲۲۲۰۸۵۲۹ * پخش آینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

۶۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرموده‌ای از علی رضی الله عنه به سلمان و ابوذر:

خداوند در آیه‌ای از کتاب خود، درباره نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت من چنین می‌فرماید:

﴿وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾ (سوره حج، آیه ۴۵)

چاهی است تعطیل شده و قصری است برافراشته.

اما قصر، محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ و چاه تعطیل شده، ولایت من می‌باشد که از آن هیچ بهره‌ای نبرند و انکارش کردند. و هرکس به ولایت من اقرار نداشته باشد، اقرار به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به او هیچ سودی نخواهد بخشید.

بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳

مقدمه

حجّة الوداع

سال دهم هجرت است و رسول خدا ﷺ از زمان هجرتش به مدینه، تا کنون فرصت انجام حجّ تمتع را نیافته؛ هرچند دوبار عمره مفرده^۱ را بجا آورده است.

بنابراین، مناسک حجّ^۲ هنوز برای مسلمانان روشن نشده، و چون که آن حضرت می‌داند آخرین ماه‌های زندگانی پریرکتش را در این جهان می‌گذراند، پس می‌باید این سنت جاریه الهی را نیز به‌زودی برای مسلمانان تبیین کند.

از طرف دیگر، مهمترین و سرنوشت‌سازترین پیام رسالتش را که معرفی جانشین پس از خود می‌باشد، باید به گونه‌ای اعلام کند تا همه مسلمانان عربستان - از مدینه و مکه گرفته تا دورترین قبایل آن سرزمین -

۱. بار اول در سال هشتم، پس از صلح حُدیبیه؛ و بار دوم در سال نهم، هنگام فتح مکه.

۲. اعمال و عبادات حج.

این موضوع مهم و بنیادی را به گوش خود بشنوند و به چشم خود ببینند. از این رو، بهترین فرصت زمانی خواهد بود که از هر نقطه سرزمین عربستان، عده‌ای از مسلمانان، در یک زمان معین و در یک مکان واحد گرد هم آیند تا رسول مکرم اسلام، پیام خود را به آنان برساند. و این فرصت، تنها در ایام برگزاری حج به دست می‌آید. پس با همین قصد و نیت، پیامبر اسلام به دستور خداوند اعلان سفر حج (حجّة الوداع) نموده، و این که هرکس بخواهد می‌تواند با آن حضرت همراه شود.

در مدت کوتاهی، این خبر به تمام قبایل مسلمان عربستان می‌رسد و در پی آن، بعضی به مدینه آمده؛ و بعضی در مسیر حرکت پیامبر به سوی مکه - که در روزهای پایانی ماه ذی‌قعدة است - به کاروان حج می‌پیوندند. در این میان، بعضی از قبایل هم هستند که جداگانه و از مسیر دیگری باید خود را به مکه برسانند. از جمله قبایل یمن، که علی عليه السلام نیز همراه آنان است؛ زیرا از چند ماه قبل برای انجام مأموریت‌هایی به نجران و سپس یمن رفته، که یکی از آنها دعوت مردم یمن به اسلام بوده است. و علی عليه السلام پس از دریافت نامه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مبنی بر آماده شدنش برای سفر حج، بی‌درنگ با سپاهیان خود، و حدود دوازده هزار نفر از مردم تازه مسلمان یمن، راهی مکه می‌شوند.

میراث انبیا و عنوان «امیرالمؤمنین»

اکنون روز نهم ذی‌حجّه سال دهم هجری است. همه کسانی که به قصد زیارت خانه خدا و انجام اعمال حج به مکه آمده‌اند - و حدود یکصد و بیست هزار نفر می‌شوند - امروز در لباس احرام، در محلی به نام عرفات جمع شده‌اند تا یکی از واجبات حج را، که وقوف اجباری در روز نهم ذی‌حجّه در

سرزمین عرفات است، بجا آورده و سپس به راهنمایی پیامبر ﷺ برای انجام دیگر مناسک - اعم از واجبات و مستحبات - به مشعر و منی بروند. اما مسأله مهمتر از حج^۱ برای رسول خدا ﷺ آماده کردن اذهان چنین جمعیتی است برای معرفی علی بن ابی طالب رضی الله عنه به عنوان وصی و جانشین پس از خود، که این مقصود هم، با ایراد دو خطبه در منی^۲ به نتیجه مطلوب می‌رسد.

آن‌گاه پس از پایان مراسم حج در منی (روز عید قربان) حاجیان به راهنمایی پیامبر، همه از احرام بیرون آمده و برای انجام بقیه اعمال راهی مکه می‌شوند. در مکه، رسول خدا ﷺ - به دستور خداوند - میراث انبیای گذشته را یکجا به علی رضی الله عنه تحویل می‌دهد، به گونه‌ای که همه مسلمین از این امر آگاه می‌شوند.

سپس در همان مدت کوتاه توقف در مکه، جبرئیل لقب «امیر المؤمنین» را از سوی خداوند در خصوص علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرود آورده، و رسول خدا ﷺ نیز ابتدا از اصحاب و یاران خود، و سپس از دیگر مسلمین می‌خواهد که به علی رضی الله عنه به عنوان «امیر المؤمنین» و به صورت «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» سلام کنند.

پس از آن، پیامبر ﷺ، بی فوت وقت دستور خروج همه مسلمین را از مکه صادر می‌فرمایند، به طوری که شگفتی بسیاری از مردم را بر می‌انگیزد.

۱. عن ابی جعفر رضی الله عنه قال: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّومِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»: بنیان اسلام بر پنج رکن گذارده شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت [محمد و آل محمد رضی الله عنهم] و ندایی که برای ولایت داده شده، برای ارکان دیگر داده نشده است. (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۱)

۲. یکی از خطبه‌ها در مسجد خیف ایراد شده است.

به سوی غدیر خم

فردای آن روز، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مکه را به قصد مدینه ترک می‌کنند و کاروان عظیم حاجیان نیز همراه آن حضرت از مکه خارج می‌شوند. چند روز در راه هستند تا این که روز هجدهم ذی‌حجه فرا می‌رسد. آن روز، خورشید از همان آغاز صبح، نوید روزی داغ و سوزان را می‌دهد.

ساعتی نمی‌گذرد که جبرئیل فرود آمده و پیامی را از سوی خداوند برای پیامبر می‌آورد. آن حضرت پیام را شنیده اما آن را ابلاغ نمی‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد. بار دوم نیز به همین صورت می‌گذرد،^۱ تا این که بار سوم، ناگهان مَرَكَبِ رَسُولِ خَدَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌ایستد؛ که انگار کسی راه را بر آن حضرت بسته است. لحظاتی بعد، سِرِّ مَرَكَبِ پابین آمده و دوزانو بر خاک می‌نشیند؛ که گویی مهارش را گرفته‌اند و او را بر زمین نشانده‌اند.

آثار وحی در چهره پیامبر نمایان شده، قطرات درشت عرق بر پیشانی مبارکش می‌نشیند و چون مروارید بر گونه‌هایش می‌غلطد. پیام جبرئیل از سوی خداوند، این آیه است:

﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ

رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴾^۲

ای پیامبر، آنچه را از خداوند بر تو نازل شده است ابلاغ کن که اگر چنین نکنی؛ تبلیغ رسالت خدا نکرده‌ای. خداوند تو را از شر مردم در پناه خود نگه می‌دارد و کافران را هدایت نمی‌کند.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که گویی قوتِ رحمانی یافته است؛ بارهای گران سفر را به جان خریده، و در آن نیمروز تفتیده فریاد برمی‌آورد:^۳

۱. دلایل امتناع رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از ابلاغ پیام خداوند، به تفصیل در خطبه غدیر آمده است.

۲. سوره مائده، آیه ۶۷ (آیه تبلیغ)

۳. اشاره به عباراتی از زیارت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در روز غدیر: فَوَضَعَ عَلَيَّ نَفْسَهُ أَوْزَارَ

همین جا می‌ایستیم؛ زیرا امر مهمی پیش آمده است. کسانی را که رفته‌اند، بخوانید تا باز آیند؛ و آنان را که هنوز در راهند، بگذارید برسند.^۱

دین کامل و نعمت تمام

ساعتی بعد، محمد ﷺ بر خاسته و از پُشته‌ای که آماده کرده‌اند بالا می‌رود. جانِ جهانی است که اوج می‌گیرد، و آن‌گاه که بر فراز می‌ایستد، علی عليه السلام را نیز به سوی خود فرا می‌خواند. امیرالمؤمنین عليه السلام چون کوهی به بلندای فلک از جا برخاسته و در سمت راست آن حضرت و کمی پایین‌تر جا می‌گیرد. آسمان به رکوع رفته و کوهها به سجده می‌افتند؛ سکوت بر زمین و زمان چیره می‌گردد، و محمد ﷺ سخن آغاز می‌کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَقَرُّدِهِ....

و بدین‌سان، در خطبه‌ای که یک ساعت به طول می‌انجامد، پیامبر ﷺ گزیده ۲۳ سال رسالت خود را برای سعادت بشریت بیان می‌فرماید. آن‌گاه پس از پایان خطبه، جبرئیل فرود آمده و آیه‌ای دیگر می‌آورد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ

الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

امروز، دین شما را به کمال رساندم، نعمت را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برایتان برگزیدم.

۱. التفسير، وَ نَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجِيرِ، فَخَطَبَ وَ أَسْمَعَ وَ نَادَى....

سپس مراسم بیعت آغاز شده و سه روز ادامه می‌یابد. در این مدت، همه بیعت می‌کنند: مرد و زن، سیاه و سفید، متقی و منافق، برده و آزاده و...، حتی آن دو نفر (اولی و دومی) که برای بیعت نزد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ رفته و چنین می‌گویند:

گواریت باد ای پسر ابوطالب، که صاحب اختیار من و هر مرد و زن مؤمن شده‌ای!^۱

پس از بیعت؛ در مدینه

اما افسوس و هزاران افسوس که پس از چند ماه، واقعیت گونه‌ای دیگر شد و تاریخ مسیر دیگری را پیمود:

... و آن‌گاه که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درگذشت، [همان کسانی که در غدیر خم، به اختیار خود بیعت کرده بودند] فرصت را غنیمت شمردند و بر آل رسول شبیخون زدند؛ آن‌گونه که حرمت‌ها را دریدند، بر بستر مرگ آن حضرت بانگ بی‌وفایی زدند، در شکستن پیمان خود شتافتند و عهدهای محکمی را که بر جانشینی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بسته بودند، نادیده گرفتند. همچنین در امانت عرضه شده (ولایت و خلافت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ) بر کوههای سخت که از پذیرفتنش سر بر تافتند، خیانت کردند، و سرانجام بار خلافت را، آن «انسان» بسیار ظالم نادان^۲ (اولی) بر خود هموار کرد.^۳

... و آن دو نفر، بدین‌سان راه را برای آیندگان هموار کردند، تا اولاد

۱. علامه امینی در کتاب ارزشمند «الغدیر» این حقیقت را تحت عنوان «حدیث التَّهْنِئَةِ» به نقل از شصت منبع معتبر اهل سنت آورده است.

۲. اشاره به آیه ۷۲ سوره احزاب: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ و تأویل آن در تفاسیر شیعه.

۳. مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه ائمه المؤمنین (با ترجمه آزاد)

لعنت‌شدگان بتوانند فرزندان پیامبر را از نسل علی علیه السلام، و خود
امیرالمؤمنین علیه السلام را به روش‌های گوناگون بکشند:

- یکی با فرق شکافته به شمشیر، در محراب عبادت.
- یکی مسموم از زهرِ جفای نزدیکان و پاره پاره کفن، بر تابوت.
- یک گشته در بیابان و سرش بر نیزه، گردان در شهرها.
- یکی دست و پا بسته به زنجیر و در هم کوفته، از بارِ گران آن.
- یکی پاره پاره گشته جگرش از جرعه جرعه‌های زهر و....^۱

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱۳۸۴/۹/۲۳

یازدهم ذی‌قعدة ۱۴۲۶

می‌لاد با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

مجید مسعودی

متن و ترجمه
خطبه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
در غدیر خم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي
سُلْطَانِهِ وَ عَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي
مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ،
مَحْمُودًا لَا يَزَالُ [وَ مَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مُبْدِنًا وَ مُعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ
إِلَيْهِ يَعُودُ].

بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَ جِبَارُ الْأَرْضِينَ وَ
السَّمَاوَاتِ.

قُدُّوسٌ سُبُوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ
بَرَأَهُ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ أَنْشَأَهُ يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لَا تَرَاهُ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی اش بلند مرتبه، و در عین
یکتایی و بی‌همتایی اش، به آفریدگانِ خود نزدیک است.
در سلطنت و پادشاهی اش با شکوه و بزرگواری، و در ارکانش عظیم
است.

در جایگاه خویش است، اما علمش بر همه چیز احاطه دارد؛ و
آفریدگان را همه، به قدرت و برهان خود مقهور ساخته است.
همیشه ستوده بوده است و همواره ستوده خواهد بود، و پیوسته عزیز
و ارجمند است.

او ابتدا کننده و بازگرداننده است و هر امری به سوی او باز می‌گردد.
پدیدآورندهٔ آسمانها و گسترانندهٔ زمین‌ها و یگانه حکمران بر
آنهاست.

پاک و منزّه و تسبیح شده، و پروردگارِ روح و ملائکه است.
بر همهٔ آنچه آفریده است مهربانی می‌کند، و هر آنچه را که
پدیدآورده مورد لطف قرار می‌دهد.
هرچشمی را می‌نگرد، و چشمها از نگریستن او ناتوان است.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيهِمْ
بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَ لَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ
عَذَابِهِ.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتِ وَ
لَا اسْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتِ، لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْعَلَبَةُ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ
وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ.

دَائِمٌ حَيٌّ وَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ
أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا
يَلْحَقُ أَحَدٌ وَضْفَهُ مِنْ مُعَايِنَتِهِ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّ وَ
عَلَانِيَةِ إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ
نُورُهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ وَ لا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي
تَقْدِيرِهِ وَ لَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ.

صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ
أَحَدٍ وَ لَا تَكْلُفٍ وَ لَا اِحْتِيَالٍ.

أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَّأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بخشنده، بردبار، متین و باوقار است. رحمتش همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت نهاده است.

در انتقام گرفتن شتاب نکرده، و به سزای آنان که سزاوار عذابند اقدام نمی‌کند. راز دل‌ها را می‌فهمد و اندیشه‌های پنهان را می‌داند. نهفته‌ها بر او پوشیده نمی‌ماند، و پوشیده‌ها بر او مشتبه نمی‌شود. بر هر چیز احاطه و غلبه دارد، و همه چیز در یدِ قدرت و قوت اوست.

چیزی همانند او نیست، و اوست به وجود آورندهٔ شیء (چیز) هنگامی که نبود.

جاودانه بوده، و برپا دارندهٔ قسط و عدل است. هیچ خدایی نیست مگر او که عزیز و حکیم است. برتر از آن است که چشمها او را درک کنند، و حال آن که او چشمها را درک می‌کند و او لطف کننده و بسیار آگاه است. هیچ کس از راه دیدن نمی‌تواند او را وصف کند، و هیچ کس به چگونگی آشکار و نهانش راه نمی‌یابد؛ مگر به آنچه که خودش راهنمایی فرموده است.

گواهی می‌دهم او خدایی است که تقدّسش، عصر و زمان را آکنده است، و نورش ابدیت را فرا گرفته. آن که امرش را بدون مشورت با کسی اجرا می‌کند، در تقدیرش شریک ندارد، و در تدبیرش یاری نمی‌شود.

آنچه را ایجاد کرده، بدون هیچ نمونه یا سابقه‌ای تصویر نموده؛ و آنچه را آفریده، بدون کمک از کسی، یا تحمّل زحمتی، یا نیاز به فکر و اندیشه‌ای آفریده است.

آنها را از نیستی آفرید، پس به هستی آمدند؛ و از عدم خلقشان نمود، پس ظاهر شدند. و او خدایی است که جز او خدایی نیست.

الْمُتَّقِينَ الصَّنْعَةَ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ
الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ [اللَّهُ] الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ
الْأَمَلَاكِ وَ مُفَلِّكُ الْأَفْلَاكِ وَ مُسَحِّرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى. يُكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ
يَطْلُبُهُ حَتِيثًا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَ لَا مَعَهُ نَدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَهُ وَاحِدٌ وَ رَبُّ مَا جُدَّ يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَ
يُرِيدُ فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَ يَمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ يُفْقِرُ وَ يُغْنِي، وَ
يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، [وَ يُدْنِي وَ يُقْصِي] وَ يَمْنَعُ وَ يُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ
الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُخْصِي
الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ، الَّذِي لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ
لَا يَضْجُرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَ لَا يُبْرِمُهُ إِحْلَاحُ الْمُلْحِحِينَ.
الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُوَفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

آفرینش او بنیادی، و آفریدنش زیباست. عادلی است که ستم روا نمی‌دارد، و بخشندهٔ بزرگواری است که کارها به سوی او باز می‌گردد. گواهی می‌دهم او خدایی است که همه چیز در برابر عظمت و بزرگی‌اش سر فرود آورده، در برابر عزت‌ش خوار و ذلیل گشته، در برابر قدرت‌ش تسلیم شده و در برابر هیبتش فروتن گردیده است. شاه شاهان، گردانندهٔ افلاک، فرمانروای خورشید و ماه؛ که همگی برای مدتی معین در حرکتند. شب را بر روز، و روز را بر شب می‌گستراند؛ گویی که شتابان در پی آن می‌رود. نابود کنندهٔ هر ستمگر سرکش، و هلاک کنندهٔ هر شیطان متمردِ نافرمان است. نه برای او مخالفی هست و نه در کنارش همتایی وجود دارد. یکتا و بی‌نیاز است، زائیده نشده و نمی‌زاید و برای او هیچ مثل و مانندی نیست.

خدایی یگانه و پروردگاری بلند مرتبه است. می‌خواهد؛ پس به انجام می‌رساند. اراده می‌کند؛ پس حکم می‌دهد. می‌داند؛ پس به شماره می‌آورد. می‌میراند و زنده می‌کند، فقیر نموده و توانگر می‌سازد، می‌خنداند و می‌گریاند، نزدیک کرده و دور می‌کند، و منع کرده و عطا می‌فرماید. پادشاهی مطلق از آن او، و حمد و سپاس برای اوست.

خیر به دست او بوده، و او بر هر چیزی قادر و تواناست. شب را داخل روز می‌کند و روز را داخل شب. خدایی نیست مگر او؛ که بزرگوار و آمرزنده است. اجابت کنندهٔ دعا، بسیار بخشنده، شمارندهٔ نفس‌ها و پروردگار جن و انس است. هیچ امری براو دشوار نیست.

فریادِ دادخواهان، او را به ستوه نمی‌آورد؛ و اصرارِ درخواست کنندگان به زاری، او را خسته و دل‌تنگ نمی‌سازد.

نگهدارندهٔ صالحان، موفق کنندهٔ رستگاران، صاحب اختیارِ مؤمنین

وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يُشْكِرَهُ وَيَحْمَدَهُ
[عَلَى كُلِّ حَالٍ].

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَاسْتَسْلِمُ لِمَا قَضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرُهُ وَ لَا يَخَافُ جَوْرُهُ.

وَ أَقْرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُؤَدِّي مَا أُوحِيَ بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ حُلَّتُهُ - لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ [فِي حَقِّ عَلِيِّ] فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَ قَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ [مِنَ النَّاسِ] وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ. فَأُوحِيَ إِلَيَّ:

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ،
مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ

و پروردگار عالَمین است. خدایی که سزاوار و شایسته است تا آفریده‌هایش در هر حالی، او را شکر و سپاس گویند.

و من او را بسیار حمد می‌گویم و پیوسته شکر می‌گزارم؛ چه در آسایش و تنگی، چه در آرامش و سختی. به او، و به ملائکه و کتابها و پیامبرانش ایمان می‌آورم، او امرش را شنیده و اطاعت می‌کنم، به سوی هر چه او را راضی کند می‌شتابم، و به آنچه بنا بر خواست خدا باید بشود سر تسلیم فرود می‌آورم؛ تنها به خاطر رغبت در اطاعت و ترس از عقوبتش؛ زیرا او خدایی است که ایمنی از مکرش و نگرانی از ستمش نیست.

در برابر خداوند به بندگی خودم اقرار کرده و به پروردگاری او شهادت می‌دهم، و آنچه را به من وحی نموده آدا می‌کنم؛ زیرا بیم آن دارم که اگر تخلف کنم عذابی از او بر من فرود آید که هیچ‌کس نتواند آن را دور کند، اگر چه بسیار نیرومند و چاره‌اندیش بوده و در دوستی‌اش یکرنگ و بی‌ریا باشد. همانا - خدایی که جز او خدایی نیست - به من اعلام فرموده که اگر آنچه را دربارهٔ علی بر من فرو فرستاده ابلاغ نکنم، رسالت او را به انجام نرسانده‌ام. و حال آن که ایمنی مرا از گزند مردم تضمین نموده، و او کفایت‌کننده و کریم است. پس بدین سان به من وحی فرموده:

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان «ای پیامبر، آنچه را از خداوند بر تو نازل شده است [درباره علی؛ یعنی خلافت علی بن ابی طالب] ابلاغ کن که اگر چنین نکنی، رسالت او را به انجام نرسانده‌ای، و خداوند تو را از [شروع] مردم در پناه خود نگه می‌دارد.»

ای مردم!

در رساندن آنچه خداوند بر من فرو فرستاده است کوتاهی نکردم، و اکنون سبب نزول این آیه را برای شما آشکار می‌کنم:

هذه الآية: إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَا مُرْنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَ أَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي [عَلَى أُمَّتِي] وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لِأَنبِيِّ بَعْدِي وَ هُوَ وَلِيِّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: ﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ ﴾، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَ سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي [السَّلَام] عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَ حِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَ يَحْسُبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ، وَ كَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أُذُنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ [وَ هُوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي] حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ ﴿ وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - [عَلَى الَّذِينَ يَزْعَمُونَ أَنَّهُ

جبرئیل سه بار بر من فرود آمد. و از طرف پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد تا در این مکان و در این جمع به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم: «علی بن ابی طالب؛ برادر من، وصی من، جانشین من برامتم و امام بعد از من است. کسی که جایگاه و موقعیتش نسبت به من، همچون جایگاه و موقعیت هارون نسبت به موسی است؛ جز این که پیامبری پس از من نخواهد بود. او صاحب اختیار و سرپرست شما بعد از خدا و رسولش می باشد. و خداوند تبارک و تعالی در این مورد خاص، آیه‌ای را در کتابش بر من فرود فرستاده است: ﴿یقیناً که صاحب اختیار شما، خدا و رسولش هستند، و کسانی که ایمان آورده و نماز را به پا داشته و در حال رکوع زکات می دهند﴾ و علی بن ابی طالب کسی است که اقامه نماز کرده و هنگام رکوع زکات داده است، و در همه حالی خداوند را اراده می کند. من از جبرئیل خواستم که از خدا بخواهد تا مرا از رساندن این پیام معاف دارد؛ زیرا از کمی متفقین، بسیاری منافقین، افساد نکوهش کنندگان، و فریب کاری مسخره کنندگان اسلام آگاهم. همان کسانی که خداوند، آنان را در کتابش چنین توصیف فرموده است: با زبانشان می گویند آنچه را که در قلبهایشان نیست، و این کار [نفاق افکن] را ساده می پندارند، در حالی که نزد خدا بسیار بزرگ است. همچنین به خاطر این که منافقین، بارها مرا آزرده اند، تا آن جا که مرا اذن (گوش کننده هر حرفی) نامیدند و گمان کردند من چنین ام؛ به لحاظ همراهی بسیار او (علی) با من، و توجه و گرایش عمیق من نسبت به او، و پذیرفتنش از جانب من. تا آن که خدای تعالی در این باره آیه‌ای نازل فرمود: ﴿و از آنان (منافقین) کسانی هستند که پیامبر را می آزارند و می گویند او گوش (گوش کننده هر حرفی) است. بگو گوش است - و برخلاف سوء ظن و بدگمانی تان -

أَذُنْ] - خَيْرٍ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿الآيَةُ﴾. وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ
 أَسْمِيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أَوْمَى إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ
 لَأَوْمَأْتُ وَ أَنْ أَدَلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلَّتُ، وَ لَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ
 قَدْتُكَرَّمْتُ.

وَ كُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ [فِي حَقِّ
 عَلِيٍّ]، ثُمَّ تَلَا: ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ
 عَلِيٍّ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾ .
 فَأَعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ [ذَلِكَ فِيهِ وَ أَفْهَمُوهُ وَ اعْلَمُوا] أَنَّ اللَّهَ
 قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَ لِيَا وَ إِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ
 الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ، وَ
 عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ، وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ،
 وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ
 قَوْلُهُ، نَافِذٍ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ،
 فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَّهُ آخِرُ مَقَامِ أَقْوَمِهِ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا
 وَ أَطِيعُوا وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ [اللَّهِ] رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ
 وَ إِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَ نَبِيِّهِ الْمُخَاطَبَ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي

برای شما خیر است، به خدا ایمان دارد و مؤمنین را تصدیق می‌کند و حال آن که اگر بخواهم گویندگان این سخن را نام ببرم، و به تک تک آنها اشاره کنم، می‌توانم، و اگر بخواهم باعلائم مشخصه آنان را بشناسانم، می‌شناسانم. ولی به خدا سوگند بزرگوارانه با آنها رفتار کرده‌ام. با این همه، خداوند از من راضی نمی‌شود مگر این که آنچه را در حق علی بر من فرو فرستاده است ابلاغ نمایم.

آن گاه پیامبر ﷺ این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿ای پیامبر، آنچه را از خداوند - در باره علی - بر تو نازل شده است برسان؛ که اگر چنین نکنی، رسالت او را به انجام نرسانده‌ای و خداوند تو را از [شروع] مردم حفظ می‌کند﴾

ای مردم! این حقیقت را در باره او بدانید و بفهمید، و بدانید که خداوند، او (علی) را صاحب اختیار و امام شما قرار داده؛ آن گونه که اطاعتش بر مهاجرین و انصار، بر پیروی کنندگان از آنان به نیکی، بر روستایی و شهری، بر عجم و عرب، بر آزاد و بنده، بر بزرگ و کوچک، بر سفید و سیاه، و بر هر یکتاپرستی واجب است. هم‌چنین حکم او لازم‌الاجراء، کلامش پذیرفتنی و دستورش اطاعت کردنی است.

هرکس با او مخالفت کند، ملعون است؛ و هرکس او را پیروی کند و تصدیق نماید، مورد رحمت خداوند است. و خداوند می‌آمزد کسی را که از او شنوایی داشته و اطاعتش نماید.

ای مردم! این آخرین باری است که در چنین اجتماعی برپا می‌ایستم. پس بشنوید و بپذیرید و فرمانبردار امر پرورگارتان باشید؛ زیرا خدای عزّ و جلّ، صاحب اختیار و معبود شماست، و پس از خدا پیامبرش که اکنون شما را مورد خطاب قرار داده است. و بعد از من،

عَلَيَّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ
وُلْدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا
حَرَّمَهُ اللَّهُ [عَلَيْكُمْ] وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَّفَنِي الْحَلَالَ
وَ الْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ
حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، [فَضَّلُوهُ]، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَ
كُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُمْ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ
عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ [الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَسَ:
﴿وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾].

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ
وَلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ
وَ يَنْهَى عَنْهُ، لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ
رَسُولِهِ [لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ]، وَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ
بِنَفْسِهِ، وَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنْ
الرِّجَالِ غَيْرِهِ. [أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ
عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ].

علی صاحب اختیار و امام شما به امر پروردگارتان می باشد. و آن گاه، امامت در نسل من از فرزندان او خواهد بود تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید. هیچ حلالی نیست مگر آنچه را خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده اند، و هیچ حرامی نیست مگر آنچه را خدا و رسولش و آنان (امامان) حرام کرده اند. و خداوند عزّ و جلّ، حلال و حرام را به من شناسانده، و آنچه را پروردگارم از کتابش و از حلال و حرامش به من آموخته، به او (علی) آموخته ام.

ای مردم! علی را از همه برتر بدانید؛ زیرا هیچ علمی نیست مگر این که خداوند آن را در من جمع کرده (گنجانده) است، و من هر علمی را که آموخته ام، در امام متّقیین جمع نموده ام (گنجانده ام)، و هیچ علمی نیست مگر آن که همه را به علی آموخته ام.

او همان امام مُبیین است که خداوند در سوره یس از آن یاد کرده:

﴿و هر چیزی را در امام مُبیین جمع کردیم﴾

ای مردم! راه او (علی) را گم نکنید، از او رویگردان نشوید و از قبول ولایتش سر باز نزنید؛ زیرا او کسی است که به حقّ هدایت کرده و به آن عمل می کند، باطل را از میان برداشته و از آن نهی می کند، و سرزنش سرزنش کننده ای او را از راه خدا باز نمی دارد. او (علی) اوّلین کسی است که به خدا و پیامبر خدا ایمان آورد، و هیچ کس در ایمان آوردن به من، بر او سبقت نگرفت. او کسی است که جانش را فدای رسول خدا نمود و پیوسته همراهش بود، در حالی که هیچ مردی جز او در کنار پیامبر، خدا را عبادت نمی کرد.

او اوّلین نمازگزار و عبادت کننده خدا همراه من است. من از سوی خداوند به او گفتم که در خوابگاه بخوابد، و او نیز فداکارانه پذیرفت.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضُّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ
 وَلَا يَتَّهَ وَ لَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ
 أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا
 أَنْ تُخَالَفُوهُ. فَتَضَلُّوا نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ
 لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَ اللَّهِ - بَشَّرَ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ
 الْمُرْسَلِينَ، وَ أَنَا - [وَ اللَّهِ] - خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحُجَّةِ
 عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ
 فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ مَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ
 قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَ مَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ
 الْأَيْمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَ الشَّاكُّ فِيْنَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَى
 وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ
 دَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضُّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ
 أَنْتَنِي مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ

ای مردم! او را برتر بدانید؛ زیرا خدا او را برتری داده، و او را [در مقام امامت] بپذیرید؛ زیرا خدا او را [بدین مقام] منصوب فرموده است. ای مردم! او از طرف خدا امام است، و خداوند، توبه کسی را که مُنکر ولایت او باشد هرگز نمی پذیرد.

قطعاً و یقیناً، خداوند با کسی که دستورات او را نادیده بگیرد چنین کند؛ و نیز به عذابی سخت، ابدی و همیشگی دچارش نماید. پس بپرهیزید از این که با او مخالفت کنید؛ زیرا به آتشی گرفتار خواهید شد که سوخت آن، مردم و سنگ‌ها هستند، و برای کافران آماده شده است. ای مردم! به خدا سوگند که پیامبران و رسولان گذشته، بشارت مرا داده‌اند؛ و به خدا سوگند که من آخرین آنها بوده و بر همه آفریدگان از اهل آسمان‌ها و زمین‌ها حجّت هستم.

پس هرکس در این مطالب شک کند، کافر شده است همچون کفر جاهلیت نخستین؛ و حتی اگر در بعضی از این سخنان هم شک کند همانا در همه آنچه بر من نازل شده، شک کرده است. نیز هر کس در مورد هر یک از امامان شک کند، نسبت به همه آنها شک کرده، و شک کننده درباره ما، در آتش است.

ای مردم!

خداوند عزّ و جلّ با اعطای این فضیلت به من، بر من منت نهاده و احسان نموده است و خدایی جز او نیست. حمد و سپاس من، تا ابد و برای همیشه و در هر حالی، از آن اوست.

ای مردم! علی را برتری دهید؛ زیرا او برترین مردم پس از من، از هر مرد و زنی است؛ تا آن زمان که خداوند رزق و روزی می‌دهد و آفرینش باقی است. لعنت شده و مورد غضب است کسی که این گفته‌ام را نپذیرد و

مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُوَافِقْهُ. أَلَا إِنَّ جَبْرَيْلَ
 حَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ
 فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي»، ﴿وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ
 - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَنْزِلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ .
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ
 تَعَالَى [مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ]: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا
 فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَى
 مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مَتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَنْ
 يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلُ
 بَعْضِهِ [وَ رَافِعُهُ بِيَدِي] وَ مُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ
 مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي، وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ
 عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي [مِنْ صُلْبِهِ] هُمْ
 الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ
 عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. أَلَا إِنَّهُمْ
 أُمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ .

با آن موافق نباشد. بدانید که جبرئیل از سوی پروردگار برای من خبر آورده است و می‌گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد.»

﴿پس هر کسی باید بنگرد که برای فردا (قیامت) چه پیش فرستاده است - و بترسید از این که با او (علی) مخالفت کنید؛ زیرا پس از ثبات قدم دچار لغزش می‌شوید - و خداوند بر آنچه می‌کنید آگاه است﴾
ای مردم! او همان «جَنبِ الله» است که خداوند در کتابش؛ یاد کرده از کسی که با او مخالفت کند و فرموده: ﴿آن گاه هر کسی فریادِ افسوس و اندوه برآورده و گوید: وای بر من که نسبت به جَنبِ خدا، سستی و کوتاهی کردم﴾

ای مردم! در قرآن بیندیشید و آیاتش را بفهمید، و به آیات محکمش بنگرید و آیات متشابهش را وانهید.

سوگند به خدا، هرگز زواجی (آیات بازدارنده - باطن) آن را برای شما آشکار نمی‌کند و تفسیرش را روشن نمی‌سازد، مگر این کسی که من دست او را گرفته به سوی خود بالا می‌برم و بازویش را گرفته و او را بلند می‌کنم و به شما اعلام می‌دارم: «هر کس که من صاحب اختیار او هستم، این علی، صاحب اختیار اوست.» او علی بن ابی طالب؛ برادر و جانشین من است، و ولایت و دوستی‌اش از سوی خداوند بر من فرو فرستاده شده است.

ای مردم! به یقین که علی و فرزندان پاک من از نسل او، ثقل اصغرند؛ و قرآن ثقل اکبر است، آن گونه که هریک از دیگری خبر می‌دهد و همگام با آن است. آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا آن زمان که در کنار حوض کوثر بر من فرود آیند.

بدانید که آنها (آل محمد صلی الله علیه و آله) امین‌های خداوند در میان آفریدگانش، و حاکمان او در زمینش هستند.

أَلَا وَ قَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَ قَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَ قَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَ قَدْ
أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَلَا
إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ
بِعَدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَضُدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَرَفَعَهُ، وَكَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
مِنذُ أَوَّلِ مَا صَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْبَرَهُ عَلَى دَرَجَةٍ دُونَ مَقَامِهِ
مُتَيَّمِنًا عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَمَا تَهَمَّا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ. فَرَفَعَهُ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيَدِهِ وَبَسَطَهُمَا إِلَى السَّمَاءِ وَشَالَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى
صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رِكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ:

ثم قال: «أيها الناس، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: اللَّهُ وَ
رَسُولُهُ. فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، أَللَّهُمَّ وَالِ مَنْ
وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَاعِي عِلْمِي، وَ
خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلِيٌّ تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ العَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ المُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ المُوَالِي
عَلِيٌّ طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الإِمَامُ الهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ التَّاكُثِينَ وَ الفَاسِقِينَ
وَ المَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ.

يَقُولُ اللَّهُ: ﴿مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ﴾. بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ:

پس آگاه باشید که من انجام وظیفه کردم و بدانید که ابلاغ نمودم. آگاه باشید که حق را شنوادم و آن را روشن و آشکار نمودم. بدانید که خدای عزّ و جلّ چنین فرموده و من از او بازگو نمودم. و دقیقاً بدانید که جز این برادرم (علی) کسی «امیرالمؤمنین» نیست و همچنین «امیرالمؤمنین» بودن پس از من، برای هیچ کس جز او حلال نیست.

آن گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر بازوی علی عَلِيٌّ زد و دستش را گرفت و او را بلند کرد. و حال آن که از زمانی که پیامبر بر فراز منبر رفته بود، امیرالمؤمنین عَلِيٌّ یک پله پایین تر از آن حضرت ایستاده بود، آن گونه که گویی هر دو در یک مکان ایستاده‌اند. سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی عَلِيٌّ را بلند کرد تا جایی که پای آن حضرت به موازات زانوی پیامبر رسید، و آن گاه فرمود:

سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود آگاه باشید آن که من سرپرست اویم پس این علی سرپرست اوست! خداوندا دوست مدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن مدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

ای مردم! این علی [که می بینید] برادر، وصی و نگهدارنده علم من است. همچنین جانشین من در امتم و در میان کسانی است که به من ایمان آورده‌اند. او جانشین من است در تفسیر کتاب خدا و دعوت به آن، و عمل کننده به آنچه خدا را راضی می کند.

جنگ کننده با دشمنان خدا، دوستی کننده بر طاعت خدا و بازدارنده از معصیت اوست. او جانشین رسول خدا، امیر مؤمنان و امام هدایت کننده از سوی خداست. او گشوده ناکثین (در جنگ جمل)، قاسطین (در جنگ صفین) و مارقین (در جنگ نهروان) به دستور خداوند است. خداوند می فرماید: «سخن من تغییر ناپذیر است»، و من نیز به فرمان تو ای پروردگار می گویم:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَغَادِ مَنْ غَادَاهُ [وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ] وَ الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقِّي.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَ لِيَّكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَ نَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. ﴿وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ [فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ] وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، ﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصُرْكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ. وَ مَا نَزَلَتْ آيَةُ رِضَا [فِي الْقُرْآنِ] إِلَّا فِيهِ، وَ لَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَ لَا نَزَلَتْ آيَةُ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾ إِلَّا لَهُ، وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَ لَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ،

«خداوندا! دوست بدار هر کس که علی را دوست بدارد: دشمن بدار هر کس که علی را دشمن بدارد، یاری کن هر که او را یاری می‌کند، خوار کن هر که او را یاری نکرده و رهايش می‌کند، لعنت کن هر کس که مُنکر اوست، و خشمگین شو بر آن کس که حقّ علی را انکار می‌کند.»

پروردگارا! تو هنگام تبیین این موضوع که علی و لِيّ تو می‌باشد؛ و منصوب نمودنش در این روز، این آیه را درباره او فر فرستادی: ﴿امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی گشتم که دین شما اسلام باشد﴾ و نیز: ﴿هر کس بجز اسلام دینی را برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زبان کنندگان است﴾

پروردگارا! تو را شاهد می‌گیرم بر این که [فرموده‌ات را] ابلاغ نمودم. ای مردم! یقیناً که خداوند، دین شما را با امامت او کامل کرد. پس هر کس به او اقتدا نکند (او را امام نداند) و نیز جانشینانش را - که فرزندان من از صلب او تا روز قیامت و روز حضور در پیشگاه خداوند هستند - نپذیرد، چنین کسانی اعمالشان پایمال گشته و به هدر رفته است؛ چه در دنیا، و چه در آخرت. همچنین در آتش، جاودان خواهند بود آن گونه که: ﴿نه از عذابشان کاسته می‌شود، و نه مهلت داده می‌شوند﴾

ای مردم! این علی است که یاری دهنده‌ترین شما به من، سزاورترین شما بر من، نزدیک‌ترین شما به من و عزیزترین شما نزد من است. پس خداوند و من، از او راضی هستیم. هیچ آیه‌ای که خشنودی خداوند در آن باشد در قرآن نیامده مگر این که درباره اوست، و خداوند هیچ‌گاه مؤمنین را طرف خطاب قرار نداده مگر آن که ابتدا به او خطاب فرموده است، و هیچ آیه‌ای نیست که ستایش در آن لحاظ باشد مگر این که درباره او نازل شده است. و خداوند در سوره ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ...﴾ بشارت به بهشت نداده مگر برای او، و این سوره را فرو فرستاده مگر برای او، و در آن، هیچ‌کسی را ستایش ننموده بجز او.

ای مردم! او یاری دهنده دین خدا و مدافع رسول خداست،

وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيِّ وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ [وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ].

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ [أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ.

أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَ لَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ. وَ فِي عَلِيٍّ - وَ اللَّهُ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ [إِلَّا عَلِيٍّ الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَ الصَّبْرِ].

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنُهَا كَمَا لَعَنَّا

و اوست پروا کننده پاک نهاد هدایت شده هدایت کننده. پیامبر شما بهترین پیامبر، و وصی شما بهترین وصی، و فرزندان او بهترین اوصیا هستند.

ای مردم! فرزندان هر پیامبری، از نسل خود او هستند؛ اما فرزندان من، از نسل امیرالمؤمنین علی می باشند.

ای مردم! شیطان، آدم را به علت حسادت از بهشت بیرون راند؛ پس مبادا به علی حسادت کنید، که در این صورت اعمالتان تباه شده و قدمهایتان بلغزد. همانا آدم به خاطر ارتکاب یک گناه به زمین فرستاده شد، و حال آن که برگزیده خداوند بود. پس چگونه خواهید بود در حالی که شما، شما بید؛ و برخی از شما، دشمنان خدا بید.

بدانید که با علی دشمنی نمی کند مگر بدسرشت بیچاره بد سگال، و با علی دوستی نمی کند مگر پارسای پروا کننده پرهیزگار، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن صادق نیکو نهاد.

به خدا سوگند که سوره «والعصر» درباره علی نازل شده است: ﴿به نام خداوند بخشنده مهربان، قسم به عصر، یقیناً که انسان در زبان است﴾ مگر علی که ایمان آورد، و به حق و صبر راضی گشت.

ای مردم! من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به انجام رساندم، و بر عهده رسول، جز ابلاغ روشن و آشکار چیزی نیست.

ای مردم! ﴿از خدا بترسید آن گونه که باید ترسید، و از این جهان نروید مگر این که مسلمان باشید﴾

ای مردم! ﴿به خدا و رسولش و نوری که همراه او نازل شده است ایمان بیاورید، پیش از آن که صورتهایی را محو و نابود کنیم و آن (صورت)ها را به پشت برگردانیم، یا آنان را همچون اصحاب سبّ لعنت نماییم﴾

أَصْحَابِ السَّبْتِ ﴿ بِاللَّهِ مَا عَنَى بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ
 أَصْحَابِي أَعْرِفُوهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ
 فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ].
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلْتَوْرُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوكٌ فَيُثَمِّ فِي عَلِيٍّ بْنِ
 أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ
 اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى
 الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْآثِمِينَ وَ
 الظَّالِمِينَ وَ الْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذِرْكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ،
 أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ
 فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ [الصَّابِرِينَ]. أَلَا وَ إِنَّ
 عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَدِي مِنْ صُلْبِهِ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ
 فَيَحْبِطَ عَمَلَكُمْ وَ يَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ يَتَّكِلُكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَ
 نُحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لِبَالِمِرْضَادٍ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.

سوگند به خدا، از این آیه قصد نشده مگر گروهی از اصحابم، که آنان را به اسم و نسب هایشان می شناسم ولی مأمورم که پرده پوشی کنم. پس هرکس، عمل کند بر مبنای آنچه از دوستی و دشمنی علی در قلبش می یابد.

ای مردم!

نور از جانب خداوند، در من و سپس در علی بن ابی طالب نهاده شده، و آن گاه در نسل او تا مهدی قائم؛ که حق خدا و حق ما را همه می گیرد. چه، خداوند عز و جل ما را حجت قرار داده است بر تمام: سهل انگاران، دشمنان، مخالفان، خیانت پیشگان، ستمگران و غصب کنندگان از همه عالمیان.

ای مردم! به شما هشدار می دهم که من رسول خدا هستم، و پیش از من نیز پیامبرانی بوده اند. اکنون اگر بمیرم یا کشته شوم، آیا شما [از دین خدا] بر می گردید؟ اما هر کس که [به جاهلیت] برگردد، به خداوند ضرری نمی رساند و خداوند به زودی به شکرکنندگان و صبرپیشگان پاداش می دهد. آگاه باشید آن کس که به صبر و شکر توصیف شده است؛ علی است و سپس فرزندان من از نسل او.

ای مردم!

با اسلام آوردنتان، بر من منت نگذارید بلکه بر خدا هم منت نگذارید؛ که در این صورت، اعمالتان را تباه ساخته و بر شما خشم گرفته و به شعله هایی از آتش و مس [گداخته] دچارتان می کند، و یقیناً که خداوند در کمین [گنهکاران] است.

ای مردم! به زودی پس از من، پیشوایانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت یاری نمی شوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمُ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي
 الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ
 أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرُوا أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!! قال: فَذَهَبَ عَلَى
 النَّاسِ بِالْإِشْرَافِ زِمَةٌ مِنْهُمْ-أمر الصحيفة.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً [فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ]، وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ
 غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لِدَا أَوْ لَمْ يُوَلِّدْ،
 فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
 وَ سَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَ اغْتِضَابًا، [أَلَا لَعَنَ اللَّهُ
 الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ]، وَ عِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ
 [مَنْ يَفْرُغُ] وَ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاطِطٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذَرَكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ
 عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى
 الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ اللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَ اللَّهُ مُصَدِّقٌ وَ عَدُوٌّ.

ای مردم! بدانید که خداوند و من، از آنان بیزاریم.
ای مردم! آنان و یارانشان، و همفکران و پیروانشان در پایین‌ترین طبقه آتش هستند، و چه بسیار بد است مأوای متکبران. آگاه باشید که آنها، همان «اصحاب صحیفه» هستند، پس هر کس از شما باید در صحیفه‌اش بنگرد. راوی می‌گوید: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به «اصحاب صحیفه» اشاره فرمود، بجز اندکی از مردم، کسی منظور آن حضرت را نفهمید.

ای مردم! من امر خلافت را در هیئت امامت و وراثت، در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می‌سپارم. و به یقین که رساندم آنچه را مأمور به رساندنش بودم؛ تا حجتی باشد بر هر حاضر و غایبی، و همه کسانی که حضور دارند یا ندارند و به دنیا آمده‌اند یا نیامده‌اند. پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان، باید این موضوع را تا روز قیامت برسانند.

اما به زودی، امامت را پس از من به صورت پادشاهی درآورده، و آن را با زور و تعدی می‌گیرند. خداوند، غضب کنندگان و زورگویان را لعنت کند. و در آن هنگام است ای جن و انس، که فرو ریزد بر شما آن که فرو ریزد، و می‌فرستد بر شما شعله‌هایی از آتش و مس [گداخته] در حالی که قدرتی بر دور کردنش ندارید.

ای مردم! خداوند شما را به حال خود رها نخواهد ساخت؛ تا آن که خبیث (بد نهاد) را از طیب (پاک نهاد) جدا کند، و خداوند بر غیب آگاهتان نخواهد نمود.

ای مردم! هیچ مکان آبادی نیست مگر این که خداوند، اهالی آن جا را به سبب تکذیب [آیات الهی]، پیش از روز قیامت هلاک خواهد کرد و آن را در تملک حضرت مهدی در می‌آورد، و خداوند وعده خود را به اجرا می‌گذارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ
الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿أَلَمْ نُهْلِكِ
الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ،
وَيُلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عِبِيًّا وَ
نَهَيْتُهُ [بِأَمْرِهِ]. فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلِمُوا وَ
أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تُرْشِدُوا، [وَاصْبِرُوا إِلَى مُرَادِهِ] وَلَا
تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلَ عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ،
ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ [الْهُدَى]، يَهْدُونَ إِلَى
الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ. ثُمَّ قَرَأَ:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...﴾ إِلَى
آخِرِهَا، وَقَالَ: فَيَ نَزَلَتْ وَفِيهِمْ [وَاللَّهُ] نَزَلَتْ، وَ لَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ
خَصَّتْ، أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ،
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَائِبُونَ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوحِي
بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.

ای مردم! از پیشینیان اکثراً گمراه شدند، که خداوند آنها را از میان برداشت، و اوست که آیندگان را نیز هلاک خواهد نمود همچنانکه فرموده است: ﴿آیا ما پیشینان را هلاک نکردیم؟ و سپس در پی آنان دیگران را نفرستادیم؟ پس این‌گونه با مجرمین رفتار خواهیم کرد. و وای بر تکذیب کنندگان در آن روز﴾

ای مردم! همانا خداوند به من امر و نهی کرده است، و من نیز به امر خداوند، علی را امر و نهی نموده‌ام. پس علم امر و نهی نزد اوست. بنابراین، دستورات او را بشنوید تا [از هر جهت] سالم بمانید، او را اطاعت کنید تا هدایت شوید، نهی او را بپذیرید تا به راه راست رهنمون گردید، و به سوی خواسته او باز گردید تا راههای انحرافی، شما را از راه او جدا نکند.

ای مردم! من، راه مستقیم خداوند هستم که شما را به پیروی از آن دستور داده است، و پس از من، علی [آن راه مستقیم است] و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت‌نگرند. کسانی که به حق هدایت می‌کنند، و با تمسک بر حق، به عدالت رفتار می‌نمایند.

آن‌گاه رسول اکرم ﷺ سوره حمد را تا آخر قرائت کرده و در پایان

آن فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده و به خدا سوگند درباره ایشان (امامان معصوم علیهم‌السلام) نیز نازل شده است؛ آن‌گونه که به طور عموم شامل آنها، و به طور خاص هم تنها درباره آنهاست.

اینان دوستان خدا هستند که ترسی بر آنها نبوده و محزون نمی‌شوند، بدانید که حزب خداوند همواره پیروز است. بدانید که دشمنان ایشان، گمراهان نادان و برادران شیاطین هستند که سخنان دروغ و فریبنده را به یکدیگر می‌رسانند.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ:
 ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ
 أَوْلِيَاءَ لَكَ لَكُنْتُمْ فِي قُلُوبِهِمُ الْأِيْمَانُ﴾ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ:
 ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ
 مُهْتَدُونَ﴾

[أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا].

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ
 الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا
 خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَصَلُونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبْنَمٍ شَهِيْقًا وَهِيَ تَفُورُ وَ
 يَرُونَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ
 أُخْتَهَا﴾ الْآيَةِ.

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که خداوند در کتابش از آنان یاد کرده و فرموده است: ﴿نمی یابی هیچ قومی (کسانی) را که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده باشند، و در عین حال، با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند؛ اگر چه پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان و یا خویشاوندانشان باشند. آنان (دوستان اهل بیت) کسانی هستند که ایمان در قلمهایشان نقش بسته است و...﴾

آگاه باشید که دوستان ایشان (اهل بیت) مؤمنینی هستند که خدای عزّ و جلّ آنان را چنین توصیف فرموده است: ﴿کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ظلم نیالوده اند، امنیّت از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند﴾

بدانید که دوستان اهل بیت کسانی اند که ایمان آورده و هرگز شک نکرده اند.

بدانید دوستان ایشان کسانی اند که در امنیّت کامل وارد بهشت می شوند، و ملائکه با سلام به دیدار آنان می شتابند و می گویند: ﴿سلام بر شما، از هر آلودگی رها شدید، پس برای همیشه به بهشت درآید﴾
بدانید دوستان امامان کسانی اند که بهشت برای آنهاست، و در آن جا بدون حساب روزی داده می شوند

بدانید که دشمنان آل محمد کسانی اند که به آتش درآیند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خروش جهنم را در حال فوران می شنوند، و گدازه هایش را می بینند.

بدانید که دشمنان این بزرگواران کسانی اند که خداوند درباره آنها فرموده است: ﴿هر زمان که گروهی وارد [جهنم] می شوند، گروه هم مسلک خود را لعنت می کنند﴾

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿كُلَّمَا أَلَمِي فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾ إلى قوله: ﴿أَلَا فَسْحَقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

[مَعَاشِرَ النَّاسِ]، عَدُوْنَا مَنْ دَمَهُ اللَّهُ وَ لَعَنَهُ، وَ وُئِنَا [كُلُّ] مَنْ

مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَ إِنِّي [أَنَا] النَّذِيرُ وَ عَلِيٌّ الْبَشِيرُ.

[مَعَاشِرَ النَّاسِ]، أَلَا وَ إِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، [أَلَا] وَ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَ صَيِّبِي.

[مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَ إِنِّي رَسُولٌ وَ عَلِيٌّ الْإِمَامُ وَ الْوَصِيُّ مِنْ

بَعْدِي، وَ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لُدَّهُ. أَلَا وَ إِنِّي وَالِدُهُمْ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ

مِنْ صُلْبِهِ].

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَيَّ

الَّذِينَ. أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ

الشُّرْكِ وَ هَادِيهَا.

بدانید که دشمنان آل محمد کسانی اند که خدای عز و جلّ می فرماید: ﴿هر زمانی که گروهی در آن (دوزخ) افکنده شوند، نگهبانانش از آنان می پرسند: آیا بیم دهنده‌ای به سوی شما نیامد؟ می گویند: بیم دهنده آمد، ولی ما او را نپذیرفتیم و گفتیم: خداوند چیزی فرو نفرستاده و شما در گمراهی بزرگی هستید... پس دور باشند دوزخیان [از رحمت خداوند]﴾ آگاه باشید و بدانید که تنها دوستان آل محمد هستند که در پنهان از خداوند می ترسند، و برای آنها آمزش و پاداش بسیار بزرگ است. ای مردم! چه فاصله زیادی هست بین گدازه‌های آتش و پاداش بسیار بزرگ.

ای مردم! دشمن ما (محمد و آل محمد) کسی است که خداوند او را نکوهش و لعنت کرده، و دوست ما کسی است که خداوند او را ستوده و دوستش دارد.

ای مردم! بدانید که من بیم دهنده‌ام، و علی بشارت دهنده است.
ای مردم! بدانید که من هشدار دهنده‌ام، و علی هدایتگر است.
ای مردم! بدانید که من پیامبرم، و علی وصی من است.
ای مردم! بدانید که من فرستاده [خدا] هستم، و علی امام و جانشین پس از من است، و امامان بعد از او، همه فرزندان او هستند.
و بدانید که من پدر آنها (آن یازده امام) هستم که از نسل او (علی) هستند.

بدانید که آخرین امام، مهدی قائم از ما می باشد. اوست که بر همه ادیان پیروز گشته، و انتقام گیرنده از ستمگران همو خواهد بود. بدانید که او فاتح دژها و ویران کننده آنهاست، و اوست که بر هر قبیله‌ای از اهل شرک و هدایت کننده آن قبیله چیره می گردد.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْعَرُافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ،
 وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ
 كُلِّ عِلْمٍ وَالمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ. أَلَا إِنَّهُ المُخْبِرُ عَنِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
 المُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ. أَلَا إِنَّهُ المَفْوِضُ إِلَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ
 مَنْ سَلَفَ مِنَ القُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ البَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ
 وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي
 أَرْضِهِ، وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ أَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ
 يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.

أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ
 وَ الإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.

أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيٌّ قَدْ بَايَعَنِي، وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالبَيْعَةِ
 لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ،
 يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ

بدانید که اوست انتقام گیرنده هر خونی از اولیای خدا، و همو یاری دهنده دین خداست.

بدانید که او بسیار بردارنده (جامع) از دریایی عمیق (علوم الهی) است. او کسی است که هر دانایی را به اندازه دانایی اش، و هر نادانی را به قدر نادانی اش نشان می‌گذارد (نمایان و آشکار می‌کند).

بدانید که او برگزیده و انتخاب شده خداوند است. او وارث همه علوم بوده و به هر فهمی احاطه دارد. بدانید که او خبردهنده از سوی پروردگارش بوده و افزنده شأن آیات الهی است.

بدانید که او هدایت یافته هدایت کننده سخت بنیان است، و همه کارها به او سپرده شده است. او کسی است که پیشینیان بشارت او را داده‌اند، و اوست که در مقام حجّت باقی می‌ماند و بعد از او حجّت نیست. هیچ حقّ نیست مگر همراه او بوده، و هیچ نوری نیست مگر در حضور اوست.

بدانید او کسی است که هیچ کس بر او تسلط نیافته، و هیچ کس بر ضدّ او همیاری نمی‌شود. و ولیّ خدا در زمینش، حاکم خدا در میان آفریدگانش، و امین خدا بر آشکار و نهانش می‌باشد.

ای مردم! من دقیقاً برای شما تبیین کردم و به شما فهماندم، و این علی است که پس از من به شما می‌فهماند.

بنابراین بدانید که من بعد از پایان سخنانم، شما را به دست دادن (بیعت کردن) با خودم به معنای بیعت و اقرار با او، و سپس به دست دادن (بیعت کردن) با خود او فرا می‌خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده‌ام و علی با من بیعت کرده است، و من از سوی خداوند، برای او از شما بیعت می‌گیرم [و به اعتبار فرموده خداوند]: ﴿کسانی که با تو (پیامبر) بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت کرده‌اند، دست خدا فراسوی دست آنان است. پس هر کس پیمان شکنی کند، جز این نیست که به زیان خود پیمان شکسته است؛

أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسِيؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١﴾
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ﴿٢﴾ فَمَنْ حَجَّ
 أَلْبَيْتَ أَوْ أَعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ﴿٣﴾ الْآيَةَ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، حِجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَ
 أُبَشِّرُوا، وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا بَتَرُوا وَافْتَقَرُوا.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ
 مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتِهِمْ مُخَلَّفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ
 لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، حِجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّفَقُّهِ، وَ لَا
 تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعٍ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَ كُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ
 جَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيكُمُ وَ مُبَيَّنُّ
 لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَ
 أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ
 عَنْهُ وَ يُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

و آن کس که به عهد خود با خدا وفادار بماند، خداوند به زودی پاداش بسیار زیادی به او خواهد داد ﴿

ای مردم! حجّ و عمره از اعمال دین و نشانه‌های عبادت خداست: ﴿پس هر کس به خانه خدا برود؛ چه حجّ [تمتّع] باشد یا عمره [مفرده]، گناهی بر او نیست اگر بر صفا و مروّه، بسیار طواف کند...﴾

ای مردم! قصد زیارت خانه خدا بکنید؛ زیرا هیچ خاندانی به آن جا وارد نشدند، مگر این که بی نیاز شدند و شاد گشتند. و هیچ خاندانی آن را ترک نکردند، مگر این که گسسته شدند و فقیر گشتند.

ای مردم! هیچ مؤمنی در مؤقف (عَرَفَات، مَشْعَر، مِنی) وقوف نمی‌کند (اعمال آن سه مکان را به جا نمی‌آورد) مگر آن که خداوند، گناهان گذشته او را تا آن زمان می‌آمرزد. و هنگامی که حجّ او به پایان رسید، اعمالش را از نو آغاز می‌کند.

ای مردم! حاجیان یاری می‌شوند و آنچه را خرج می‌کنند به آنان باز می‌گردد، و خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد.

ای مردم! با دین کامل (احراز ولایت امیر المؤمنین علیه السلام) و تفقه (دانایی در دین) قصد خانه خدا بکنید، و از آن مکانهای زیارتی باز نگردید، مگر این که توبه کنید و از گناهان خود دست بردارید.

ای مردم! نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید، همان گونه که خدای عزّ و جلّ به شما فرموده است. اما اگر زمانی طولانی بر شما گذشت، و کوتاهی نمودید و فراموش کردید، پس علی صاحب اختیار و سرپرست شماست و [معالم دین را] برای شما روشن می‌سازد. همان کسی که خداوند او را بعد از من منصوب فرموده، و امین بر خلقش قرار داده است. او از من است، و من از او هستم. آنچه را از او و فرزندانش من [از نسل او] پرسید، پاسخ می‌دهند؛ و آنچه را نمی‌دانید، برای شما بیان می‌کنند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ
بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ
مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ
فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدَّرُ وَيَقْضَى.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ
عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ.
أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلا تُبَدِّلُوهُ وَلا
تُغَيِّرُوهُ.

أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَأُمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.
أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ
لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنِّي. وَلا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ
إِمَامٍ مَعْصُومٍ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَ
عَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ وَجَعَلَهَا

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم. یا این که در یک جلسه، به تمام حلال‌ها دستور داده و از تمام حرام‌ها بازتان دارم. بنابراین، مأمورم که از شما بیعت گرفته و با شما دست بدهم؛ بر پذیرش آنچه از سوی خدای عزّ و جلّ دربارهٔ امیرالمؤمنین و اوصیای بعد از او آورده‌ام. همان کسانی که از من و از نسل او (علی) هستند، و امامت تنها در این برگزیدگان ثابت و برقرار خواهد بود. و آخرین ایشان مهدی است؛ تا آن زمان که خدای تدبیرکننده قضا و قدر را ملاقات کند.

ای مردم! هر حلالی که شما را بدان رهنمون کردم و هر حرامی که شما را از آن بازداشتم؛ نه هرگز از آن‌ها برگشته‌ام، و نه هرگز آنها را به چیز (حکم) دیگری تبدیل کرده‌ام. این مطلب را به خاطر بسپارید و آن را نگهداری کنید و به یکدیگر سفارش نمایید، و البته، نه آن را تغییر دهید و نه تبدیل کنید.

من سخن خود را بار دیگر تکرار می‌کنم: نماز را به پا دارید، زکات را پیردازید، به «معروف» امر کنید و از «منکر» بازدارید. اما این را بدانید که بالاترین (مهم‌ترین) امر به «معروف» آن است که جان کلام مرا بفهمید و آن را به کسانی که حاضر نیستند برسانید. سپس او را از طرف من به پذیرش آن، «امر» کنید و از نپذیرفتنش، «نهی» نمایید؛ زیرا این دستوری است از جانب خداوند و از سوی من. و هیچ «امر به معروفی» یا «نهی از منکری» نیست مگر با [تأیید و صلاح دید] امام معصوم.

ای مردم! قرآن به شما می‌شناساند که امامان بعد از او (علی) فرزندان او هستند، و من هم به شما شناساندم که آنها از [نسل] من و او هستند؛ آن جا که خداوند در کتابش می‌فرماید: ﴿وَأَن (امامت) را کلمهٔ باقی و

كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ ﴿٥٤﴾، وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا». مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾.

أُذَكِّرُوْا الْمَمَاتَ [وَالْمَعَادَ] وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ لِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ. فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ:

«إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنَّا وَرَبَّنَا وَرَبَّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَتْ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيِّمَةِ. نُبَايِعُكَ عَلِيٌّ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَأَيْدِينَا. عَلِيٌّ ذَلِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نُغَيِّرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشْكُ [وَلَا نَجْحَدُ] وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

پاینده‌ای در فرزندان او قرار داد» و من هم به شما گفتم: «اگر آن دو (قرآن و عترت) را دستاویز خود قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد.» ای مردم! تقوا را تقوا را قرین باشید، و از سختی قیامت حذر کنید؛ همچنان که خداوند فرموده است: ﴿زلزله قیامت امر عظیمی است﴾ و همواره [حقایق همچون] مرگ، معاد (زنده شدن مردگان در رستاخیز)، سنجش و محاسبه اعمال در پیشگاه خداوند، پاداش [کارهای نیک] و جزای [گناهان] را به یاد آورید. اما آن کس که حسنه (خوبی) با خود بیاورد، در برابر آن پاداش داده می‌شود؛ و هر کس سیئه (گناه و بدی) بیاورد، هیچ بهره‌ای از بهشت نخواهد داشت.

ای مردم! جمعیت شما بیش از آن است که یکباره و در یک زمان [محدود] با من دست داده [و بیعت کنید]، اما خداوند به من امر فرموده که به «زبان» از شما اقرار بگیرم؛ درباره آنچه مستحکم نمودم برای علی امیرالمؤمنین و امامانی که پس او می‌آیند و از نسل من و او هستند؛ همان گونه که اعلام نمودم: «فرزندان من، از نسل او هستند.» بنابراین، همگی چنین بگویید:

«ما شنیدیم و اطاعت می‌کنیم، و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می‌آوریم به آنچه از پروردگار ما و پروردگار خودت، درباره امامت امام ما، علی امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان او، به ما رساندی. و براین حقیقت، با قلب و جان و زبان و دستمان، با تو بیعت می‌کنیم.

همچنین براین عقیده زنده‌ایم و برآن نیز می‌میریم، و روز قیامت با آن محشور می‌شویم. نه تغییر می‌دهیم، نه تبدیل می‌کنیم، نه شک نموده و انکار می‌کنیم، نه تردید به دل راه می‌دهیم، نه از این عهد برمی‌گردیم، و نه پیمان می‌شکنیم.

وَعَظَّتْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ
 ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ
 اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا خُوذُ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا
 وَ أَلْسِنَتِنَا وَ ضَمَائِرِنَا وَ أَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَ إِلَّا فَقَدْ أَقْرَأَ
 بِلِسَانِهِ، وَ لَا تَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا. نَحْنُ
 نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ أَهَالِينَا، وَ نُشْهَدُ
 اللَّهَ بِذَلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ
 نَفْسٍ، ﴿فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا﴾ وَ مَنْ
 بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، ﴿يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايَعُوا اللَّهَ وَ بَايَعُونِي وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ [مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ]
 كَلِمَةً بَاقِيَةً. يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى، ﴿وَ مَنْ نَكَثَ
 فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ
 أَجْرًا عَظِيمًا﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ
 الْمُؤْمِنِينَ، وَ قُولُوا: ﴿سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ

تو ما را به پیروی از دستور خداوند نصیحت کردی و [پیام خدا را] درباره علی امیرالمؤمنین و امامان بعد از او، که گفتی از فرزندان تو و نسل او هستند؛ یعنی حسن و حسین و آنان که خداوند بعد از آن دو [امام] منصوب نموده است [به ما ابلاغ فرمودی].

آن‌گاه برای آنان از ما عهد و پیمان گرفته شد؛ هم از قلبها، هم جانها، هم زبانها، هم ضمائر، و هم دستانتان. پس هرکس بتواند، با دست بیعت می‌کند؛ و آن‌کس که نتواند، با زبان اقرار می‌نماید؛ آن‌گونه که هرگز در پی تبدیل آن نباشیم و خداوند نیز در درونمان تغییری نسیند. ما این مطالب را از قول تو، به نزدیک و دور، از فرزندان و خویشان خود می‌رسانیم و خدا را بر آن گواه می‌گیریم. خداوند برای گواهی دادن کافی است و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی.»

ای مردم! چه می‌گویید؟! خداوند، آگاه بر هر صدا و دانا بر پنهانی‌های هر کسی است. ﴿پس هرکس که هدایت شد، به نفع خود اوست؛ و هرکس گمراه شد، به زیان خودش گمراه شده است﴾ و هرکس بیعت کند، یقیناً با خدا بیعت می‌کند، ﴿دست خدا فراسوی دستِ آنان است﴾

ای مردم! با خدا و با من بیعت کنید، و همچنین با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان از این خاندان در دنیا و آخرت؛ به عنوان امامتی پیوسته و ماندنی بیعت نمایید. خداوند، پیمان شکنان را نابود کرده؛ و وفاداران به عهد را، مورد رحمت خود قرار می‌دهد. ﴿پس هرکس عهد شکنی کند، جز این نیست که به زیان خود عهد شکسته است؛ و آن‌کس که به عهد خود با خدا وفادار بماند، خداوند به زودی پاداش بسیار زیادی به او خواهد داد﴾

ای مردم! بگویید آنچه را به شما گفتم، و به علی به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنید و نیز بگویید: ﴿شنیدیم و اطاعت کردیم،

الْمَصِيرُ ﴿٥٨﴾، وَقُولُوا: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ
لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ الآية.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
- وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ
أَتْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَيْمَةَ الَّذِينَ
ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ
يَأْمُرُ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ
تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا. اَللَّهُمَّ
اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ [بِمَا أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ] وَاغْضِبْ عَلَيَّ [الْجَاهِدِينَ]
الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

آمزشِ تو را می‌خواهیم و بازگشت به سوی توست ﴿ و بگوئید:
﴿ حمد و سپاس از آن خدایی است که ما را به این (ولایت آل محمد ﷺ)
هدایت کرد، و حال آن که اگر هدایت نمی‌کرد، هدایت نمی‌شدیم... ﴿
ای مردم! یقیناً که فضائل و برتری‌های امیرالمؤمنین نزد خداوند - که
آن را در قرآن نازل فرموده است - بیش از آن است که در یک جلسه،
همه را بگوئیم.

پس اگر کسی، شما را از آن [فضائل] آگاه ساخت، و خود نیز به آنها
شناخت و معرفت داشت، به راستی گفتارش گواهی دهید.
ای مردم! هر کس خدا و رسولش، و علی و امامانی را که یادآور شدم
اطاعت کند، به رستگاری بزرگی رسیده است.

ای مردم! کسانی که برای بیعت با او و پذیرش ولایتش، و سلام براو
به عنوان «امیرالمؤمنین» سبقت بجویند؛ آنان رستگارانند و در
بهشت‌های سرشار از نعمت، مأوا گزینند.

ای مردم! سخنی بگوئید که خداوند به سبب آن، از شما راضی شود. و
اگر شما و تمامی ساکنین زمین کافر شوند، هرگز به خداوند ضرری
نمی‌رسانند. خداوند! به خاطر آنچه آدا نمودم و به انجام رساندم، مؤمنین
را پیامرزد؛ و بر انکار کنندگان کافر، غضب بنما. و حمد و سپاس از آن
پروردگار جهانیان است.

منابع و مأخذ

متن عربی خطبه - که ترجمه حاضر از روی آن صورت گرفته - متن تحقیق شده جناب آقای محمّد باقر انصاری در کتاب «اسرار غدیر» است.^۱ ایشان در صفحه ۱۲۷ کتاب مذکور درباره این متن نوشته‌اند:

متن حاضر به سه روایت از امام باقر علیه السلام و حذیفه بن یمان و زیدبن ارقم است، که پس از مقابله و تطبیق آن در مدارک نه‌گانه‌اش، یعنی کتابهای روضة الواعظین، الاحتجاج، الیقین، التحصین، العُدّ القویة، الاقبال، الصراط المستقیم، نهج‌الایمان و نزهة الکرام، تنظیم و تلفیق و تنقیح شده است.»

همچنین در پایان کتاب «اسرار غدیر»، به منابعی که واقعه غدیر را نقل کرده‌اند اشاره شده است. این منابع، شامل ۵۹ کتاب از شیعه؛ و ۱۶۷ کتاب از اهل سنت می‌باشد.

و السَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

۱. ص ۱۳۵ - ۱۶۰. نشر مولود کعبه، چاپ دوم (ویرایش سوم)، غدیر ۱۴۲۳. این کتاب، یکی از جامع‌ترین کتابهای تحلیلی است که تاکنون درباره این واقعه مهم تاریخ اسلام تألیف شده است.